

دست نامرئی در جامعه مدنی

مقدمه

موضوع «جامعه مدنی» و ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن در سه سال گذشته، در سطح رسانه‌ها و محافل فکری و علمی کشور ما به شکل فراگیری مطرح بوده است. این موضوع انتشار کتاب را هم تحت تأثیر قرار داده و کتاب‌های متعددی اعم از تألیف و ترجمه در این خصوص وارد بازار کتاب شده است. کتاب «اقتصاد سیاسی جامعه مدنی» که در چارچوب گفتمان پست مدرنیسم به نگرارش درآمده، جوانب مختلف جامعه مدنی را از دیدگاهی تازه بررسی می‌کند. در این نوشتار ابتدا به معرفی و سپس نقد اثر می‌پردازیم.

الف: نگاهی به کتاب

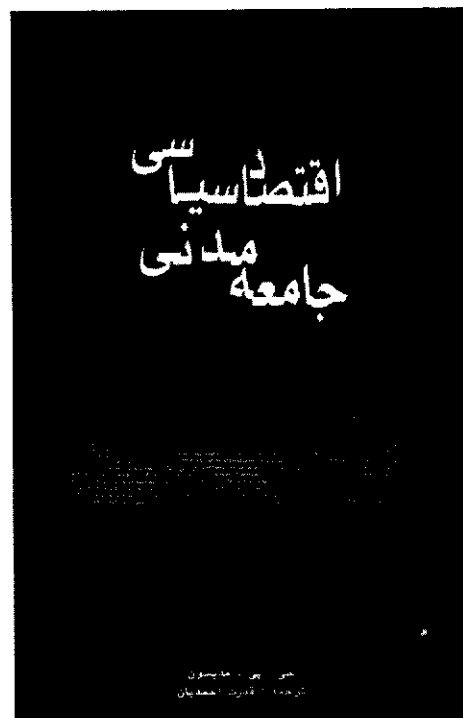
نویسنده، این کتاب را در قالب یک مقدمه و پنج فصل شامل ایده جامعه مدنی، تهدیدی جدید علیه ایده‌های قدیمی، نظم اخلاقی نه فرهنگی، نظم سیاسی و نظم اقتصادی به رشته تحریر درآورده است. البته مترجم در مقدمه اشاره می‌کند که متن اصلی دارای تقریباً شصت صفحه یادداشت، حاوی اطلاعات بیشتری در مورد موضوعات و مفاهیم اصلی بوده که ترجمه آن ضروری تشخیص داده نشده است.

برخی تحولات مهم دهه آخر قرن بیستم از جمله فروپاشی دیوار برلین، گسست نظام سوسیالیستی شوروی سابق، فرآیند جهانی شدن و همگرایی اقتصادی، انگیزه‌ای برای نویسنده اثر بوده تا در مقام کشف منطق این تحولات برآمده و در فضایی پست مدرنیستی، منظومه‌ای از معرفت‌شناسی ایجاد کرده و تحولات مهم فوق را تحلیل و بررسی نماید. او معتقد است که در پشت هر واقعیتی، نظامی از معرفت تدوین نشده و سیال وجود دارد که باید آنها را مشاهده کرد تا بتوان به شناخت صحیحی از علت‌ها دست یافت.

می‌توان گفت نویسنده به دنبال شناخت «دست نامرئی» در عرصه جامعه مدنی است. او تحت تأثیر شدید آدام اسمیت، در ورای تحولات سیاسی-اجتماعی نیروی هدایت‌گری می‌بیند که همان «تفاهم و تبادل» است. از نظر او جامعه مدنی پدیده‌ای است دارای ابعاد و معناهای متفاوت.

این کتاب جامعه مدنی را در سه حوزه اخلاق و فرهنگ، سیاست و اقتصاد مورد بحث قرار می‌دهد. او می‌کوشد به منطق مشترک این سه حوزه دست یابد.

○ سیدرضا شاکری
پژوهشگر علوم سیاسی



○ اقتصاد سیاسی جامعه مدنی
○ جی.پی. مدیسون
○ قدرت احمدیان
○ سفیر
○ ۱۳۷۸، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۴۴ صفحه

چکیده:

برخی تحولات مهم دهه آخر قرن بیستم از جمله فروپاشی دیوار برلین، گسست نظام سوسیالیستی شوروی سابق، فرآیند جهانی شدن و همگرایی اقتصادی، انگیزه‌ای برای نویسنده اثر بوده تا در مقام کشف منطق این تحولات برآمده و در فضایی پست مدرنیستی تحولات یاد شده را تحلیل و بررسی کند. کتاب جامعه مدنی را در سه حوزه اخلاق و فرهنگ، سیاست و اقتصاد مورد بحث قرار می‌دهد و می‌کوشد و به منطق مشترک این سه حوزه دست یابد. منطقی که به چیزی جز گفت و گو و تفاهم نیست. به نظر مدیسون، هدف نظم اخلاقی، دستیابی به حقیقت است و حقیقت چیزی جز حاصل جمع توافق افراد جامعه نیست. هدف نظم سیاسی، ایجاد هماهنگی برای وصول به عدالت از طریق تمرین دموکراسی است و هدف نظم اقتصادی نیز رسیدن به خوشبختی است و راه رسیدن به این هدف، تحقق اقتصاد بازار است. اصالت دادن به توافقات انسانی و سلب اعتبار واقعی از آرمان‌های بشری، پیچیدن نسخه‌ای یکسان برای همه جوامع مبنی بر ادغام در جامعه جهانی و نادیده گرفتن نقش عوامل خارجی در عقب ماندگی جهان سوم از جمله موضوعات قابل انتقاد کتاب است.

منطقی که به نظر او چیزی جز گفتگو و تفاهم نیست. مدیسون با بیان اهدافی سه گانه برای سه نظم مورد بحث، یعنی حقیقت برای نظم اخلاقی - فرهنگی سعادت و عدالت برای نظم سیاسی و خوشبختی برای نظم اقتصادی، می‌کوشد منطق درونی این سه نظم را یافته و روابط متقابل آنها را تحلیل کند. منظور مدیسون از نظم، کشف زیرساخت‌های فلسفی و عقلی نیست. از دید او پدیده و فرآیندی دارای نظم است که امکان گفتگو و تبادل در آن فراهم باشد. یعنی دارای سیالیت و جریان در میان توده‌های مردم و اجتماعات مختلف باشد. نویسنده می‌کوشد روابط متقابل بین این سه حوزه را کشف و تفسیر نماید. به عقیده نویسنده، نظم، پدیده خودجوشی است که از متن زندگی پدیدار می‌شود، در گفتمان‌های مختلف گروه‌ها و اجتماعات صیقل می‌خورد و در نهایت یک پیکره را به نام نظم شکل می‌بخشد.

نویسنده تحت تأثیر آدام اسمیت، در ورای تحولات سیاسی - اجتماعی نیروی هدایت‌گری می‌بیند که همان «تفاهم و تبادل» است

به عقیده نویسنده، نظم، پدیده خودجوشی است که از متن زندگی پدیدار می‌شود، در گفتمان‌های مختلف گروه‌ها و اجتماعات صیقل می‌خورد و در نهایت یک پیکره منتظم را آشکار می‌سازد

بر این اساس ما نمی‌توانیم مرزهای شفاف و از قبل خط‌کشی شده برای سه حوزه نظم مطرح شده در کتاب به‌دست آوریم.

مؤلف در حوزه نظم اخلاقی و فرهنگی مفاهیمی مثل آزادی، حقیقت، اخلاق، ایده و عقلانیت تفاهمی را مورد بحث قرار می‌دهد. از نظر او ایده‌ها اهمیتی والاتر از واقعیت‌ها داشته و تفاهم است که ایده‌ها را می‌سازد و این امر محصول کارکردهای جامعه مدنی یعنی گفتگو، مذاکره و رعایت قواعد است. هدف نظم اخلاقی، دستیابی به حقیقت است و حقیقت چیزی جز حاصل جمع توافق افراد جامعه نیست. آزادی خودبخود ارزش ندارد، بلکه این رابطه است که به آن معنا می‌بخشد و صدا البته که «رابطه» نیز محدودیت‌های خود را دارد. پس به تعبیر مدیسون آزادی در چارچوب محدودیت‌ها معنا می‌شود. از دید مدیسون آزادی کامل هنگامی محقق می‌شود که جهان شمول گردد؛ یعنی تمام مردم جهان با عضویت در جامعه مدنی، جهانی امکان حضور در رابطه آزاد را یافته و به اهداف خود می‌رسند و چنین حضوری مشروط به تحلیل و فهم نظم سیاسی است. از دید مدیسون، هدف نظم سیاسی در جامعه مدنی ایجاد هماهنگی برای وصول به عدالت و سعادت از طریق تمرین دموکراسی می‌باشد. دموکراسی تنها فرآیند و قالبی است که زمینه را برای رقابت مهیا می‌سازد. او معتقد است دموکراسی هدف و غایتی ندارد. مؤلف در این بخش عمدتاً به جریان ایجاد دولت ایالات متحده در ۱۷۸۷ بر پایه دموکراسی استناد می‌کند. به نظر او دموکراسی در پی ایجاد شرایطی برای گسترش عرصه عمومی است تا در آن با ایجاد رقابت و گفتگو، دستیابی به منافع خصوصی فراهم گردد. عرصه عمومی از دیدگاه نویسنده چنان گسترش دارد که حکومت، گروه‌های خصوصی و عمومی را در بر می‌گیرد. سیاست در این معنا همچون فضایی است که جامعه را احاطه کرده و حکومت نیز گروهی از این خانواده است. کارکرد حکومت در جامعه مدنی تضمین زنده بودن عرصه عمومی برای زنده ماندن رقابت و امکان استمرار بازی است. کار ویژه حکومت تأسیس ساختارهای جدید برای تقویت عرصه عمومی با هدف افزایش رقابت مؤثر شهروندان است. عدالت اجتماعی از مهمترین مؤلفه‌های جامعه مدنی است که حکومت باید با تضمین فضای رقابت برای فعالیت اقتصاد بازار، راه وصول به آن را هموار کند. نویسنده در واپسین فصل به کالبد شکافی نظم اقتصادی در جامعه مدنی می‌پردازد که در واقع همان عنوان کتاب یعنی «اقتصاد سیاسی جامعه مدنی» است.

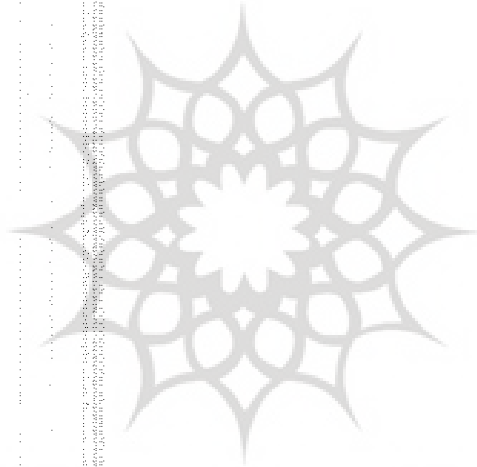
او در این فصل می‌کوشد همسانی‌های نظم سیاسی و اقتصادی را به دست آورده و به یک نقطه مشترک دست یابد. مدیسون با رد اقتصاد مختلط - که به راه سوم معروف شده - تأکید می‌کند که دموکراسی تنها با اقتصاد بازار هم سنخ است، زیرا هر دو مبتنی بر رقابت، گفتگو و رعایت قواعد است. مدیسون ضمن تفسیر کار ویژه‌های نظام اقتصادی بازار از قبیل معامله، رقابت و نظم خودجوش، دموکراسی و بازار را فرآیندی می‌خواند که در درون آن، شهروندان در دو حیطه حقوق سیاسی و منافع اقتصادی به رقابت می‌پردازند.

ب - نقد کتاب

مدیسون با اصالت دادن به اجتماع و توافقات انسان‌ها در روابط خود، هرگونه اعتبار حقیقی و واقعی را از آرمان‌های بشری مثل آزادی، عدالت، حقیقت و خوشبختی سلب کرده و چنین می‌انگارد که ارزش و اصالت هر چیز به توافق انسان‌ها بازمی‌گردد. بر این اساس هیچ جنبه‌ای از جوانب زندگی دارای بار معنایی نبوده و تماماً حاصل تفاهم اجتماعی است.

نویسنده مدعی به کار بستن روش هرمنوتیک است در حالی که عملاً تعهدی به الزامات آن ندارد. هرمنوتیک برای همه فرهنگ‌ها، سنت‌ها و اندیشه‌ها احترام قائل است و هرگز نسخه‌ای یکسان برای همه جوامع نمی‌پیچد. اما نویسنده در این کتاب تنها راه نجات و رستگاری را ادغام در جامعه جهانی و اطاعت از معیارهای جامعه مدنی می‌داند. او از این شکل زندگی به عنوان بهترین شکل حیات یاد می‌کند. (ص ۱۹) نویسنده در جایی سوسیالیسم و مارکسیسم را به خاطر تجویز برنامه سعادت برای بشر محکوم می‌کند، اما خود به تجویز جامعه مدنی غرب برای همه جوامع می‌پردازد. تنزل اخلاق و فرهنگ به عادات، آداب و رسوم؛ تنزل سیاست به قاعده بازی و تلقی حکومت همچون یک گروه اجتماعی معلول محوریت تفکر اقتصادی در تحلیل مسایل انسانی از سوی مدیسون می‌باشد.

نویسنده کتاب همچنین کینه‌جویی و نفرت‌طلبی را بویژه در جوامع جهان اسلام از موانع عمده عدم تحقق جامعه مدنی میدانند (ص ۸۲) در حالی که هیچ اشاره‌ای به ریشه‌های آن نمی‌کند. این در حالی است که بخش اعظمی از این نفرت و یا حداقل، میزان قابل توجهی از آن معلول استثمار و استثمار خود غربیان می‌باشد. متأسفانه نویسنده دیدگاه یک سوبه‌ای به جهان سوم و تحولات آن دارد و همه عوامل عقب ماندگی را در دل خود این جوامع می‌جوید و هیچ سراغی از نقش



پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتي مرستي
پرتال جامع علوم انساني



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی